

ادامه از صفحه اول

بازتاب تخصص در حکمرانی

اگر درست و تخصصی اعمال نشود، بند فلاکت و فقر در جامعه پاشیده خواهد شد. حکمرانی خوب و حق بر اداره خوب، به‌عنوان یک حق شهروندی منکی بر اصل تخصص است. نهاد حکمرانی باید تخصص کافی در اداره امور عمومی داشته باشد. هرکسی که مانع شود افراد متخصص صاحب منصب شوند، در ممانعت از حق مسئولیت تام دارد. این حق آن‌گاه در دسترس است که متخصصان و کاربلدها صاحب مناصب عمومی شوند. کسی که تخصص‌مدار نیست، نمی‌تواند یک کار تخصصی را پیش ببرد. اگر کشور بر مبنای تخصص اداره شود و مناسبات سیاسی و رانتی و تباری به جای اصل تخصص در امر حکمرانی بنشیند، نتیجه آن اداره غلط کشور از جیب بیت‌المال و فرصت‌سوزی است. ۳- دولت در حقوق اداری، دارای صلاحیت مطلق است و حق دارد در تمام امور اجتماع مداخله کند. این حق، مسئولیت مطلق هم می‌آورد. باید درست تدبیر کند و آدم‌های متخصص صاحب منصب باشند و ریسک به

سفره مردم تحمیل نکنند. دولت ذیل اصل «منع اشتباه» در حقوق عمومی نباید اشتباه حکمی و موضوعی کند. باید بر مبنای اصل «هدف شایسته» هدف‌گذاری صحیحی اتخاذ کند و اگر اشتباه کند و مرتکب فعل و ترک فعلی شود که رفاه و معیشت و اقتصاد مردم صدمه ببیند، مسئول است. گاهی خروج از صلاحیت و گاهی خروج از اختیارات، منتج به اصل «چبران خسارت» و اصل «لاضر» به شهروندان می‌شود. ۴- باری اکنون با چه شرایطی مواجهیم؟ نارسایی‌های معرفتی اقتصادی در کنار انگیزه‌های منفعتی سوداگرانه، خیر عمومی اقتصادی را مخدوش کرده است. نظام بودجه‌ریزی و پیامدهای تورمی آن و اینکه ۷۵ درصد نقدینگی دست یک درصد از صاحبان سپرده‌هاست و معایب حل‌نشده نظام بانکی در کنار شاخص فلاکتی که به مرز ۵۰ رسیده است و خطر فقر را به سرعت جابه‌جا می‌کند، آزاری است که بر سه نرخ تورم، بی‌کاری و تولید ناخالص ملی می‌ریزد. «هان زبُنش آگه شور بر حال دل نکه رَکِ کس تو است یا دل مُصلّ». مسئله ما کارآمدی و اثر بخشی است. ۵- الگوی عمل اقتصادی دولت معیوب است و اصلاح آن نیاز به تمرکز بر علت‌ها دارد. این مسئله فراتقصادی، ریشه در مدیریت و سازوکار انتصاب‌های حکمرانی دارد. مدیری که نتواند خوب منابع را مدیریت کند و بی‌په‌ره از ظرفیت و فرصت منابع انسانی و طبیعی، بنگاهی فشل تحویل دهد، چیزی از اخلاصگر کم ندارد. شرکت‌های ورشکسته دولتی، خیره‌خوار بودجه و سرای بیت‌المال ۵۰۰۰ میلیاردی جز این اتلاف را نداده‌ی می‌کنند؟! کمک هزارو ۱۰۳ شرکت دولتی در سال گذشته ورشکسته شده‌اند و تنها ۲۵ درصد بودجه صرف سرمایه‌گذاری شده است، چه حکایتی دارد؟ تا چه زمانی باید این روند به مردم خسارت بزند؟ حدود ۷۰ درصد از بودجه کل کشور به شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت اختصاص دارد و از آنجا که بخش دولتی سهم عمده‌ای از اقتصاد را بر عهده دارد، آیا دولت ناخواسته با استفاده از سیاست‌های هنگفت در این شرکت در سراسر است؛ تاکی؟ ۶-! اگر جرم اختلاس؛ دزدیدن از خزانه عمومی است، آن‌کس که وقت، منابع و فرصت‌های ملی را هم و هدر می‌دهد چه حکمی دارد؟! بازگری در کارایی دولت در اداره عمومی با تمرکز بر شاخص‌های بهبود عملکرد اقتصادی ضرورت دارد. آیا دولت ناخواسته با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی، متغیرهای مهم کلان اقتصادی نظیر نرخ بی‌کاری، تورم و رشد اقتصادی را در سطح مطلوب حفظ کند؟ اگر نه، آیا وقت آن نرسیده است که به جای اینکه

از غیرمتخصص‌ها درخواست کمک شود؛ با همه توان دست متخصص‌ها گرفته شده و برای اداره اقتصاد ملی و کمی بهترشدن اوضاع، بینه داندنی اهل فن را مبدداگر اقتصاد رنجور و سفره‌های کوچک‌شده‌کرد؟ فرصت‌های ملی امانت است و نشانه اهل ایمان به تعبیر نبی رحمت، پاسداری امانت به سلامت و «تودوا الامانات الی الهلها» است. به خردان مفرمای کار درشت/ که سندان نشاید شکستن به مشت، نغمه‌ای که ضایع‌شود روزگار/ به ناکاربدیده مفرمای کار (سعدی).

هشدار به سهم خواه نه سهم ده!

برای همین مشخص نیست که مخاطب این هشدارها کیست؟ اگر دولت و منصوبانش هستند که بهتر بود رئیس شورای اتلاف که از حامیان مهم دولت فعلی است، مستقیما شخص رئیس جمهور، وزرا و زیرمجموعه‌ا را خطاب قرار می‌داد و از آنها انتقاد می‌کرد و هشدار می‌داد که مبدا این سرگرم‌شدن باعث شود تنگه احد را از دست بدهید. اما به جای آن ترجیح می‌دهد سرپرسته سخن بگوید.آن هم در جمعی و خطاب به کسانی که ممکن است جزء سپهرمان یا سهم‌خواهان باشند اما لزوما جز سهم‌بخش‌کن‌ها نه. نوک پیکان انتقاد و مخاطب سخنان رئیس شورای اتلاف اصولگرایان به‌عنوان حامی دولت فعلی و عامل برآمدنش، باید از فضا خود دولت، آن هم شفاف، صریح و مستقیم باشد؛ یعنی کسانی که قدرت و امکان سهم‌دهی دارند، فارغ از اینکه چه تعداد سهم‌خواه در کار باشند. ماجرا این است که اصولگرایان حامی دولت به‌هیچ‌عنوان قصد و تمایلی بر انتقاد صریح و گزنده ندارند و اصولگرایان منتقد دولت هم از ترس تیر ترکش هم‌جانحی‌های خود شجاعت آن را، نتیجه این می‌شود که به‌عنوان مثال تقد‌های محمدرضا باهنر در لافاچه می‌ماند و چهره‌هایی مانند امیر محبیان روزه سکوت می‌گیرند. سحنی هم اگر گفته می‌شود به جای اینکه جسیم به واقعیت داشته باشد و تصمیم‌های درون قدرت را زین سوار ببرد، نعل وارونه می‌شود و به سهم‌خواه توصیه می‌کند دست از سهم‌خواهی بردارد! برای همین سخنان و ادعاهایی این چنین بیشتر به طنز و مطایبه تنه می‌زند تا حتی توصیه‌ای اندیشمندانه.

دیپلماسی

در نشست مجازی «چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در شرایط جدید» در مؤسسه ایراس بررسی شد

ایران با کدام روسیه طرف است



منظر منطق‌های استراتژیک و آن تحلیل‌های سطح استراتژیک که در مسکو و تهران دارد شکل می‌گیرد و ساختار همکاری را ایجاد می‌کند دیده‌شود و نه صرفا بر مبنای نگاهی که می‌تواند برگرفته باشد از رویکردهای سیاست داخلی کشور. بحثی که عموما در ایران هم بین اصلاح‌طلب‌ها و اصولگراها در نگاه متفاوت به مسائل روسیه خودش را نشان می‌دهد.»

او توضیح داد: «اساسا روسیه بعد از فروپاشی شوروی در یک بحران شناسایی بین‌المللی مواجه بود. در حقیقت بازگشت و تثبیت جایگاهش به‌عنوان یک قدرت اجتناب‌ناپذیر در سطح بین‌المللی تا سال‌ها یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی روسیه است که پیشران بسیاری از اقداماتش در نقاط مختلف دنیا بود. به تعبیر یکی از کارشناسان روسی، حضور روسیه در دوره سوریه بیشتر برای این بود که نظم‌سازی را به آمریکا‌ها یا بعد از بحران افغانستان و عراق یاد بدهد و در حقیقت این تعبیری است برای اینکه نقش روسیه به‌عنوان یک نظم‌ساز شناخته شود.»

ایران وتتش آمریکا با روسیه

دیوسالار سپس بحث تأثیر رابطه آمریکا و روسیه بر ایران را بررسی کرد: «افزایش تنش در روابط روسیه و آمریکا و شکل‌گیری عرصه‌های رقابتی جدید، سطح بازی روسیه در خاورمیانه را هم متفاوت می‌کند. سند اخیر امنیت ملی روسیه ساخت‌نظم‌های غیرآمریکایی و تأکید بر چندجانبه‌گرایی را به‌عنوان چراغ راه آینده روسیه مطرح می‌کند. او ادامه داد: «شاید روس‌ها خاورمیانه در فرصت و بستری می‌بینند که از آنجا می‌شود نشان داد چطور می‌شود نظم‌سازی غیرآمریکایی را انجام داد.» این پژوهشگر توضیح داد: «خاورمیانه حوزه‌ای پرتنش است و بخشی از این تنش لاقال از نظر روس‌ها ناشی از مداخلات خارجی به‌ویژه مداخلات آمریکایی‌ها و کشورهای اروپایی بوده است.» او افزود: «شیوه تنظیم سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه چیزی است که خیلی‌ها به‌عنوان موازنه‌گری از دور از آن یاد می‌کنند. ایفای نقش میانجی‌که با همه طرف‌ها می‌تواند صحبت کند و با همه روابطی دارد که می‌تواند موقعیت و دیدگاه خودش را اعمال کند. بدون داشتن رویکرد ایدئولوژیک یا به تعبیری با رویکرد پرلماکتیک، این یعنی برای روسیه به تعبیر اولیه بازبگر مطلوبی در حوزه خلیج فارس وجود ندارد و بازگرها بنا به اهمیت و نقشی که می‌توانند در موازنه نسبت به همدیگر ایجاد کنند دارای اهمیت می‌شوند.»

خاورمیانه برای روسیه نه تهدید است نه عرصه منافع

او در تبیین نگاه روسیه به منطقه گفت: «حوزه خلیج فارس نه حوزه تهدید استراتژیک برای روسیه است نه عرصه منافع استراتژیک. حوزه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، صرفا یک فرصت سیاسی است برای روسیه برای اینکه بخشی از اهداف کلان سیاست خارجی خودش را شکل دهد و درعین حال ظرفیت‌های جدید اقتصادی و تجاری را در همکاری با کشورهای پولدار منطقه مثل امارات و عربستان و بقیه ایجاد کند. این فرصت‌طلبی سیاسی در واقع به میزانی محدودیت اقتصادی است که پیش‌تر ذکر کردم. به زبان ساده نه روسیه و نه ایران پول برای سرمایه‌گذاری و بهبود روابط اقتصادی دوجانبه ندارند.» بحث اقتصادی اینجا نیز بحث پرچام را به دنبال خود داشت: «مشکل دوم مربوط به تأثیر تحریم‌هاست. همه فرصت‌های اقتصادی که ذکر کردم، مربوط به آینده است. الان شرکت‌های بزرگ روسیه مثل شرکت‌های چین، تحریم‌های غربی را رعایت می‌کنند و از این تحریم‌ها می‌ترسند و به این سبب امکانات برای ورود پررمر در اقتصاد ایران، متأسفانه ندارند.»

غرب‌زدگی روسیه

او اما در مرحله بعد از اصطلاحی آشنا برای ایرانیان، برای توصیف مسئله در روسیه استفاده کرد: «برای مشکل سوم اگر اجازه بدهید از این اصطلاح استفاده کنم که هم در زمینه تجاری و هم در زمینه سیاسی در روسیه خیلی غرب‌زدگی هست. یعنی مصلحت و آینده خود را با همکاری یا غرب مربوط می‌بیند. بهبود روابط دوجانبه دو کشور در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی لازم است تا این نظر درباره ایران در مقابل نظر درباره غرب که انتخاب اول روسیه است، عوض شود.» او در خاتمه سخنرانی خود تأکید کرد: «دولت روسیه الان دولت عمل‌گرا و مصلحت‌گرای نیکیلا کوزانف در این باره گفت: «عامل اصلی برای امیدواری ما در این زمینه مربوط به دگرگونی شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز درونی در خود روسیه و ایران هستند. الان رقابت روسیه با آمریکا و تنش

استاد روس دانشگاه قطر که سخنرانی خود را نیز به زبان فارسی انجام داد، تصویر خود را از فرصت‌ها و عوامل مثبت در رابطه بین تهران و مسکو ترسیم کرد. نیکیلا کوزانف در این باره گفت: «عامل اصلی برای امیدواری ما در این زمینه مربوط به دگرگونی شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز درونی در خود روسیه و ایران هستند. الان رقابت روسیه با آمریکا و تنش آمریکا و چین به سطح جدیدی رسیده. دولت روسیه امید چندانی ندارد که در آینده نزدیک و میان‌مدت این روابط بهسازی شوند. این نظر روسیه بیشتر به



کشورهای شرق میانه و کشورهای آسیا نگاه می‌کند و دیگر نیازی ندارد که این روابط را تحت کنترل داشته باشد تا ضرری برای روابط روسیه و آمریکا ایجاد نکند.» او ادامه داد: «عامل دوم تغییر وضعیت در منطقه خاورمیانه است که هم با خارج‌شدن آمریکا از عراق و افغانستان و تغییر نگاه آمریکا در خاورمیانه مرتبط است و هم با افزایش اهمیت بازیگران منطقه‌ای که روسیه مجبور است بیشتر با ایران همکاری کند تا در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز به اهداف سیاست خارجی خود برسد.»

کوزانف سپس در آستانه سفر رئیس‌ی به روسیه، به مسئله اثر روی کارآمدن رئیس‌ی روی روابط دو طرف پرداخت و گفت: «عامل سوم دولت جدید در ایران است که از نظر مسکو و از نظر دولت روسیه، برای همکاری با دولت روسیه بهتر است و ریاست‌جمهوری جدید ایران، بیشتر برای همکاری با روسیه حاضر است و امکانات جدید برای بهسازی روابط دو کشور در مسکو در حال برسی است.» این پژوهشگر تأکید کرد: «عامل چهارم که هم برای بهبود روابط روسیه و ایران مهم است، وضعیت و شرایط پرچام است و آینده روابط ایران و کشورهای دیگر در طی حل مسئله هسته‌ای،

از نظر سیاست‌مداران روسیه، این وضعیت هم ایران را به روسیه نزدیک‌تر می‌کند و الان بعد از یک سال مذاکرات برای تهران معلوم می‌شود که روسیه حتی از نظر سیاست، می‌تواند پشتیبانی واقعی به تهران ارائه کند.» کوزانف افزود: «عامل پنجم به وضعیت اقتصادی ایران مربوط است. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد حتی در نبود تحریم‌ها، اگر به دوره بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ مراجعه کنیم، دیگران برای ورود به ایران حاضر نیستند. شرکت‌های روسیه برعکس علاقه‌مند ورود به اقتصاد ایران هستند.»

نقش چین در بهبود روابط ایران و روسیه

کوزانف سپس از نقش چین در این رابطه گفت: «عامل آخر، مربوط به افزایش اهمیت چین هم در روابط با ایران و هم در روابط با روسیه است. چین از نظر قدرت اقتصادی و از نظر قدرت سیاسی می‌تواند از همکاری روسیه با ایران پشتیبانی کند. ما متأسفانه ما باید قبول کنیم که از نظر قدرت اقتصادی روسیه ضعیف است و محدودیت زیاد دارد، هم از نظر سرمایه‌گذاری در ایران و هم از نظر تکنولوژی. همکاری با چین مخصوصا در پروژه‌های مربوط به کریدورهای هلیز بین‌المللی امکانات زیاد برای بهبود روابط چندجانبه با ایران می‌سازد.» او توضیح داد: «نمونه تأثیر مثبت این روابط هم بر روابط دو کشور، الحاق ایران به سازمان شانگهای است. ظرف بیش از ۱۰ سال روسیه با برای الحاق ایران به این سازمان مشکل می‌ساخت یا سعی شرکت است. تعبیر اتحاد راهبردی بین ایران و روسیه فقط انتظارات را افزایش می‌دهد و گمان‌کردن که روابط ایران و روسیه روابط خوبی نیست، این هم گمراه‌کننده است. در تمام سه دهه گذشته روابط ایران و روسیه روابط گرمی بوده است و رفت‌وآمدها نیز دوگنندور جدی بوده و در سال‌های اخیر هم دو کشور شراکت داشته‌اند که از جنبه‌های راهبردی هم برخوردار شده است. یکی از ویژگی‌های شراکت راهبردی این است که نیاز به مراقبت مداوم دارد. وقتی ما تعبیر می‌کنیم به اتحاد، اتحاد امکان‌پذیر نیست و در دنیای امروز صحبت از اتحاد راهبردی واقع‌بینانه نیست. حتی روسیه و چین مدعی نیستند که روابطشان اتحاد راهبردی است. روسیه و چین هم در روابطشان به شراکت راهبردی تعبیر می‌کنند.» او درباره عملکرد پیشین در این زمینه اشاره کرد: «بین سال‌های ۹۲ و ۹۷، اسناد بسیاری امضا شد که در کنار اسنادی که همه‌های پیش امضا شده می‌شود گفت هموارکننده روابط است.» سنایی افزود:

«تا قبل از ۲۰۱۳ قش قطع‌نامه در سازمان ملل تصویب شد و ولو اینکه روسیه تعدیل‌کننده آن قطع‌نامه‌ها بود، ولی نهایتا با حضور چین و روسیه امضا شدند. ما از آن مقطع رسیده‌ایم به مقطعی که در پایان سال ۹۶ برای اولین بار روسیه به نفع ایران، قطع‌نامه‌ای علیه ایران را تصویب کرد و کرده است.» سنایی افزود: «تا قبل از ۲۰۱۳ قش قطع‌نامه در سازمان ملل تصویب شد و ولو اینکه روسیه تعدیل‌کننده آن قطع‌نامه‌ها بود، ولی نهایتا با حضور چین و روسیه امضا شدند. ما از آن مقطع رسیده‌ایم به مقطعی که در پایان سال ۹۶ برای اولین بار روسیه به نفع ایران، قطع‌نامه‌ای علیه ایران را تصویب کرد و کرده است.»

کوزانف: دگرگونی شرایط عامل امیدواری در روابط است

استاد روس دانشگاه قطر که سخنرانی خود را نیز به زبان فارسی انجام داد، تصویر خود را از فرصت‌ها و عوامل مثبت در رابطه بین تهران و مسکو ترسیم کرد. نیکیلا کوزانف در این باره گفت: «عامل اصلی برای امیدواری ما در این زمینه مربوط به دگرگونی شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز درونی در خود روسیه و ایران هستند. الان رقابت روسیه با آمریکا و تنش آمریکا و چین به سطح جدیدی رسیده. دولت روسیه امید چندانی ندارد که در آینده نزدیک و میان‌مدت این روابط بهسازی شوند. این نظر روسیه بیشتر به

سال نوزدهم • شماره ۴۱۹۶ • زنجان

ادامه از صفحه اول

اعتراضات و درک واقع‌بینانه

تعدادی از کارگران شرکت پتروشیمی رازی و رجال ماهشهر، تعدادی از کارگران شرکت «روی» بندرعباس، تعدادی از کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی، گروهی از کارگران فضای سبز و خدمات شهری کیش، کارگران شرکت تأمین مواد معدنی چناره شهرستان اندیمشک، تعدادی از بیماران تالاسمی، گروهی از کارگران شرکت ایران خودرو تبریز، گروهی از کارگران فضلی مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، جمعی از پرستاران و کارکنان وزارت بهداشت کشور، شماری از کامیون‌داران شهرستان سرباز، شماری از بازنشستگان شرکت هواییمایی است. همچنین از جوانان جوانی‌کار بندر ماهشهر، تعدادی از کارگران شهرداری خرمشهر، تجمع کارگران کارخانه روغن خوآرکی در سیرجان، تجمع کارگران معدن طلای آق‌دره تکاب، تجمع گروهی از مال‌باختگان در بورس و ده‌ها مورد دیگر از جمععات و در اعتراض ضد مس‌سیدی به مطالبات‌شان، ازجمله اعتراضات صنفی و دارای ماهیت اقتصادی است که رسانه‌ای شده است.

۱- مروری بر اخبار جمععاتی از این دست نشان می‌دهد در ماه‌های گذشته این جمععات به صورت کمتی در حال افزایش بوده است؛ یعنی شمار و تعداد جمععات برگزارشده نسبت به سال‌های گذشته روند رو به افزایش داشته است. همچنین از نظر مناطق و شهرستان‌هایی که اعتراض‌ها در آنجا برگزار شده، بررسی و گزارش‌ها نشان می‌دهد بر شمار شهرستان‌ها و مناطقی که اعتراض‌های صنفی و اقتصادی در آنها برگزار شده دامنه وسیع‌تری از شهرها را شامل می‌شود. از نظر تعداد افراد شرکت‌کننده نیز افراد بیشتری در جمععات شرکت کرده‌اند. حضورصدها نفر از فرهنگیان عزیز کشور در جمععات اخیر در بیش از ۸۰ شهر مستند این ادعاست. از نظر صنفی نیز بر تنوع اصناف و مشاغل در این اعتراضات افزوده شده است.

فرهنگیان، پتروشیمی و نفت، شهرداری، معادن، کارخانجات، شهرداری‌ها، پرستاران، کامیون‌داران، بازنشستگان، کارکنان هواییمایی، کنائوزران اصطفایی، جانبازان و حتی کارکنان عدلیه و دادگستری و… نمایانگر تنوع مشاغل و صنفاها و اقشار درگیر در این اعتراضات دارای ماهیت اقتصادی است. در بیشتر اعتراضات صورت‌گرفته رویکرد نیروهای انتظامی با صبر و شکیبایی بوده و با تجمع‌کنندگان برخورد نندی، به جز تعدادی موارد محدود، صورت نگرفته است.

۲- بررسی روندهای موجود نشان می‌دهد درصورتی‌که در شرایط اقتصادی کشور تحول مثبتی در جهت مهار تورم و گرانی، افزایش حقوق و درآمد، تثبیت وضعیت شغلی، پرداخت به‌موقع حقوق و مانند آن روی ندهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که در ماه‌های آینده بر تعداد و ابعاد جمععات ناراضیاتی‌های صنفی و شغلی و اقتصادی افزوده خواهد شد. شواهد موجود همچنان نشان می‌دهد به‌زودی نمی‌توان انتظار تغییر مشهود و فوری، اثرگذار و فراگیر در شرایط اقتصادی کشور داشت. بی‌ترنامگی، کمبود نقدینگی دولت، محدودیت درآمدهای کشور، در آستانه ورشکستگی‌بودن بخشی از مؤسسات اقتصادی و معدنی و صنعتی و به‌ارث‌رسیدن مسائل مزمن گذشته، هزینه‌های رو به افزایش نهادهای دولتی و… ازجمله عواملی است که نشانگر پیچیدگی مسائل جاری کشور و ناتوانی مسئولان در بازکردن گره‌های درهم‌تنیده اقتصادی کشور است.

۳- ناراضیاتی‌های موجود که ماهیت اقتصادی و شغلی و صنفی دارد، ممکن است تحت تأثیر عواملی تغییر جهت دهد و به ابراز ناراضیاتی‌های دیگر منجر شود. بی‌توجهی به اعتراضات و بی‌عملی در برابر حل مشکلات به صورت محسوس، تصمیمات شوک‌آور، برخورد نسنجیده با معترضان و بازداشت و برخورد سخت با معترضان، توجه‌نکردن به نهادهای صنفی که می‌توانند به‌عنوان واسط میان معترضان و دولت عمل کنند و انتقال این نقش به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه رسانه‌های آن سوی مرز و مواردی از این دست می‌تواند به گسترش تجمع‌ها منجر شود.

۴- بررسی فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی در ماه‌های گذشته نشان می‌دهد بر ابعاد تولیدات و محتوای تند و رادیکال افزوده شده و در میان اقشار مختلف استفاده‌کننده در فضای مجازی دست به دست می‌شود. حتی محتوای برخی رسانه‌های خارج‌نشین که شامل نشان‌دادن تصویر از وضعیت موجود به‌عنوان عدم اراده برای پاسخ‌گویی بی‌توجه به حال اقشار ضعیف و متوسط و ریخت‌وپاش در نهادهای دولتی و غیردولتی فرهنگی همراه و همسو و افزایش بودجه آنها و مانند آن دست به دست می‌شود. رسانه‌های دولتی هم قادر به توجیه مخاطبان و مقابله با این موج نیستند.

۵- در این شرایط دشوار که بخشی از جامعه ایران به دلیل شرایط عینی و مادی و شرایط روانی و ذهنی درجانی از ناراضیاتی را تجربه می‌کند، آموزش و توجیه جدی و حتی ملزم‌سازی نیروهای انتظامی برای برخورد قانونی و آرام و انضباطی‌پس‌روی، مستحضران از نظرات و برنامه‌های کارشناسان و متخصصان اقتصاد برای یافتن راه‌های حل‌وفصل مسائل پیش‌روی به صورت ساختاری و کلان، برپهر از اتخاذ تصمیم‌های شوک‌آور و تورم‌زا، گفت‌وگو و مشاورت با نیروهای سیاسی داخلی از جناح‌های مختلف و جریان‌های موجود فعال در کشور، آزادی زندانیان و تجدیدنظر عسلی در برخی روندهای قضائی و امنیتی و نیز گشودگی در فضای رسانه‌ای داخلی از جمله صداوسیما و تجدیدنظر در سیاست‌های قبلی، تغییر در سیاست‌های انتخابی‌ات و تلاش برای جلب مشارکت اکثریت شهروندان می‌تواند تا حد زیادی در آرام‌کردن جامعه اثرگذار باشد.

و خلیج فارس در نسبت با این چهار بازیگر اصلی منطقه‌ای که بتواند سطح قدرت یکی از آنها را تقلیل دهد یا افزایش، برخلاف منافع فعلی روسیه است. این یکی از دلایل مهم تمایل روس‌ها برای به‌نتیجه‌رسیدن برجام است و جلوگیری از بروز درگیری تمام‌عیار میان ایران و آمریکا چون چنین درگیری می‌تواند ساختار موازنه منطقه‌ای را تغییر دهد». این کارشناس در ادامه گفت: «فهم روسیه از منطقه چند نکته کلیدی دارد. یک اینکه فهم روس‌ها از نظم منطقه‌ای مبتنی بر تجربه اروپا در دوره جنگ سرد و فرایند فلسینکی است. چیزی که به نظم فعلی منطقه‌ای در اروپا شکل داد. آن یک نکته اساسی دارد و آن یافتن نهادهی منطقه‌ای است که حدی از کنترل تنش را ایجاد کند و ثباتی نسبی در منطقه، این پیش‌نهاد روس‌ها تحت عنوان پی‌جی‌اس‌سی‌اوی‌ا یا سازمان همکاری و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس یک پایه اصلی نهادسازی امنیت منطقه‌ای را درون خودش داشت.» او افزود: «نکنه دیگر بحث روسیه مبتنی بر خروج نیروهای خارجی نظامی از منطقه خلیج فارس است. روسیه علاقه جدی دارد که مسئولیت امنیتی کشورهای خلیج فارس افزایش پیدا کند. اما روس‌ها ساختار پی‌قوی‌اعضای دائم شورای امنیت را به نوعی به عنوان اعضای ناظر این سازمان پیشنهادی می‌بینند و یک نقش تسهیل‌گری و نظارت بر بازیگران منطقه‌ای را قائل هستند که این نیروهای خارجی باید داشته باشند.»

روسیه مخالف وضعیت استثنائی ایران است

او در ادامه توضیح نگاه روسیه به جایگاه ایران در منطقه گفت: «پایه دیگر فهم روس‌ها از منطقه این است که روس‌ها شکل‌گیری یک نظم فراگیر منطقه‌ای را مطرح می‌کنند. از نظر ایران جذاب است چراکه وضع فعلی منطقه‌ای ایران را استثنائی خارج از نظم کنونی تعبیر می‌کند. روس‌ها مخالف این وضع هستند و بخششان این است که ایران باید یکی از شرکای ساخت این نظم منطقه‌ای در نظر گرفته شود. اما این یک مششیر دویله است از این زاویه که اگر ایران در این نظم امنیتی قرار بگیرد خب اسرائیل هم باید در آن قرار بگیرد. اسرائیل هم از این بازی شراکت همه‌جانبه برای ساخت امنیت منطقه‌ای نمی‌تواند استثنا باشد. مقابله با این استثناگرایی یکی از بحث‌های جدی روس‌ها در منطقه است.» وی افزود: «روسیه یک مخالفت جدی با ساختارها یا اتحادهای امنیتی آمریکایی محور در حوزه خلیج فارس دارد. آنها را مساختار نظم‌ساز آمریکایی‌محور می‌بیند که با رویکرد کلان‌شد در مقابله با نظم‌های آمریکایی در تقابل است.»

در فهم موازنه قوا بین ایران و روسیه اشتراک نظر وجود دارد

دیوسالار سپس به تبیین نگاه مشترک ایران و روسیه در منطقه پرداخت: «اشتراک نظری میان ایران و روسیه در مفهوم و فهم موازنه قوا در حوزه خاورمیانه و خلیج فارس وجود دارد. هر دو کشور مخالفتی با تغییر نظم منطقه‌ای و موازنه قوا براساس سقوط دولت‌های سیاسی حاکم دارند. این به نظرم وجه باارزش در سیاست‌های دفاعی و موشکی ایران دیده می‌شود. شاید جالب هم باشد که در نظر روس‌ها خیلی مشکلی در برنامه موشکی یا برنامه دفاعی ایران ندارند. دل‌نیش هم این است که عرصه دیپلماسی دفاعی بین ایران و روسیه فعال بوده است.» وی افزود: «از طرفی روس‌ها هم قدرت موشکی و منطقه‌ای ایران را تهدیدی برای خودشان نمی‌بینند و آن را یکی از پایه‌های شکل‌دهی به موازنه قوا در منطقه می‌بینند. لذا این برداشت مشترک از وضعیت موازنه قوا و تسلط این نگاه در تهران به عنوان چیزی که در دستگاه‌های امنیتی و نظامی ایرانی مبنای فکری جدی‌ای دارد، پیشران بسیار مهمی است که همکاری‌های امنیتی در دو طرف را تثبیت می‌کند.» او تأکید کرد: «روسیه با محدودیت‌های جدی در میزان منابعی که می‌تواند به خاورمیانه اختصاص بدهد مواجه است. از طرفی با افزایش تنش با آمریکا و در وضعیتی که احتمال تنش‌های جدید وجود دارد و احتمال بهبود روابط در آینده نزدیک کم است، تخصیص منابع نظامی بیشتر به حوزه سوریه برای بالانس ترکیه کار دشواری است. بنابراین جدای از اختلافات تاکتیکی بین دو طرف در حوزه سوریه، روس‌ها با ایران را یک ابزار جدی برای چک و بالانس ترکیه می‌بینند؛ بنابراین بازی روس‌ها در سوریه از یک منبا مبتنی بر موازنه بین ایران و ترکیه است و از طرف دیگر فراموشانه‌ای بین این دو در نسبت با دولت اسد برای حفظ ثبات در سوریه.»

تسلط تفکر امنیتی و نظامی بر روابط ۲ طرف

دیوسالار در پایان سخنرانی خود از عرصه اصلی روابط دو طرف گفت: «تسلط تفکری امنیتی و نظامی از یک منظر و اینکه در حقیقت ساخت‌یافتن‌ترین عرصه در روابط ایران و روسیه این حوزه است و دو طرف محصول همکاری‌های خودشان را هم ملموس دیده‌اند و توجه به بحث وابستگی به سیران امنیتی می‌دهد که در سال‌های آینده همچنان پیشران اصلی ساختار روابط ایران و روسیه حوزه امنیتی و نظامی خواهد بود. دلیل دیگرش اینکه فکر می‌کنم بخش مهمی از ساختار تصمیم‌گیری در این‌باره، حداقل از سمت تهران، خارج از بنده دولت و خارج از ساختارهای تغییرکننده دولت‌هاست و این بخشی است که در حوزه امنیتی و دفاعی دارد. خودش را شکل می‌دهد و اینجایا لنگرگاه نسبتا ثابتی است که پیشران روابط دو طرف است. این را اگر در کنار محدودیت‌هایی که دوستان هم اشاره کردند قرار بدهیم باعث می‌شود که همچنان این دو عرصه یعنی نقاط اتصال در حوزه امنیت منطقه‌ای و درک مشترک از بحث موازنه قوا موضوعی باشد که در سال‌های آینده ماجرا را شکل دهد.»

ادامه در صفحه ۹